

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

## E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Maulana Jalaluddin Rumi

جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولانا، مولوی و رومی (۶ ربیع‌الاول ۶۰۴، بلخ یا وختش - ۵ جمادی‌الثانی ۶۷۲ هجری قمری، قونیه) از مشهورترین شاعران ایرانی پارسی‌گوی است. نام کامل وی «محمد بن محمد بن حسین حسینی خطیبی بکری بلخی» بوده و در دوران حیات به القاب «جلال‌الدین»، «خداوندگار» و «مولانا خداوندگار» نامیده می‌شده‌است. در قرن‌های بعد (ظاهراً از قرن ۹) القاب «مولوی»، «مولانا»، «مولوی رومی» و «ملای رومی» برای وی به کار رفته‌است و از برخی از اشعارش تخلص او را «خاموش» و «خَموش» و «خامُش» دانسته‌اند. زبان مادری وی پارسی بوده‌است.

جلال‌الدین محمد بلخی در ششم ربیع‌الاول سال ۶۰۴ هجری در شهر بلخ خراسان دیده به جهان گشود. پدر او مولانا محمدبن حسین خطیبی است که به بهاء‌الدین ولد معروف شده است و نیز او را با لقب سلطان‌العلماء یاد کرده‌اند. بهاء‌ولد از اکابر صوفیه و اعظم عرفا بود و خرقة او به احمد غزالی می‌پیوست. پدر او مولانا محمد بن حسین خطیبی معروف به بهاء‌الدین ولد و سلطان‌العلماء، از بزرگان صوفیه و مردی عارف بود و نسبت خرقة او به احمد غزالی می‌رسید، اما اهل بحث و جدال نبود و دانش و معرفت حقیقی را در سلوک باطنی می‌دانست. سخنوری و علاقه مردم بلخ به وی تا حدی بود که حتی سلطان محمد خوارزمشاه را نیز علیه او برانگیخت. سلطان‌العلماء در سال ۶۱۰ و مصادف با حمله چنگیزخان به بلخ از آن شهر کوچ کرد و به قصد حج، به بغداد و سپس مکه و پس از انجام مناسک حج به شام رفت. در این سفر، فرزندش نیز او را همراهی می‌کرد و گفته می‌شود که در مسیر

این سفر با فریدالدین عطار نیشابوری نیز ملاقات داشت و عطار، مولانا را ستوده و کتاب اسرارنامه را به او هدیه داد. پس از مدتی اقامت در شام، به دعوت علاءالدین کیقبادی به قونیه رفت و تا زمان مرگ خود، حدود سال ۶۲۸ هجری قمری در همان شهر ماند. مولانا در نوزده سالگی با گوهر خاتون ازدواج کرد. سلطان‌العلماء در حدود سال ۶۲۸ قمری جان سپرد و در همان قونیه به خاک سپرده شد. در آن هنگام مولانا جلال‌الدین ۲۴ سال داشت که مریدان از او خواستند که جای پدرش را پر کند.

همه کردند رو به فرزندش      که تویی در جمال مانندش

شاه ما زین سپس تو خواهی بود      از تو خواهیم جمله مایه و سود

شاعر پارسی‌گوی مولانا در ۳۷ سالگی عارف و دانشمند دوران خود بود و مریدان و مردم از وجودش بهره‌مند بودند تا اینکه شمس‌الدین محمد بن ملک داد تبریزی روز سه‌شنبه ۲۶ جمادی‌الثانی ۶۴۲ قمری نزد مولانا رفت و مولانا شیفته او شد. در این ملاقات کوتاه وی دوره پرشوری را آغاز کرد. در این ۳۰ سال، مولانا آثاری برجای گذاشت که از عالی‌ترین نتایج اندیشه بشری است. مولانا حال خود را چنین وصف می‌کند:

زاهد بودم ترانه‌گویم کردی      سر حلقه بزم و باده‌جویم کردی

سجاده‌نشین با وقاری بودم      بازیچه کودکانِ کویم کردی

شمس تبریزی در حدود سال ۶۴۲ قمری به مولانا پیوست و چنان او را شیفته کرد، که درس و وعظ را کنار گذاشت و به شعر و ترانه و دف و سماع مشغول شد و از آن زمان طبعش در شعر و شاعری شکوفا شد و اشعار پرشور عرفانی سرود. کسی نمی‌داند شمس تبریزی به مولانا چه گفت و چه آموخت که این‌گونه دگرگونش کرد؛ اما واضح است که شمس تبریزی عالم و جهان‌دیده بود و برخی به خطا گمان کرده‌اند که او از حیث دانش و فن بی‌بهره بوده‌است که نوشته‌های او بهترین گواه بر دانش گسترده‌اش در ادبیات، لغت، تفسیر قرآن و عرفان است.

شخصیت برجسته و اندیشه‌های والای مولانا در زمان حیات او، نه تنها ایرانیان و مسلمانان، بلکه در میان یهودیان و مسیحیان نیز محبوب بود. او با روحانیون یونانی مقیم آناتولی مرکزی نیز در ارتباط

بوده و حتی از زبان رایج آن زمان یعنی ترکی قرون وسطایی نیز در اشعار خود استفاده کرده است. اما بد نیست بدانید این تاثیر تنها محدود به زمان حیات این عارف و اندیشمند نیست. مولانا طی قرون متمادی مورد توجه مستشرقین غربی قرار داشته است و اشعار و اندیشه های او نه تنها به زبان های گوناگون ترجمه شده، بلکه به گواه اندیشمندان غربی، پایه و اساس شکل گیری بسیاری از اندیشه های عرفانی و اخلاقی در بین این جوامع نیز بوده است.

تاسیس انجمن های مولاناشناسی و مطالعه در اندیشه رومی در امریکا و اروپا و نیز برگزاری سمینارها و بزرگداشت های گوناگون برای او، گواهی بر تاثیر عمیق وی بر غرب و اندیشه و اخلاق آنهاست. شگفت اینست که برخی از این انجمن های دوستداران مولانا مثل گروه «عشاق مولانا» از آمریکایی های غیرمسلمان اند که هر چند هفته یکبار برای قرائت اشعار مولانا و سماع درویشی با موسیقی ترکی در محل انجمن حاضر می شوند و انگار در جایی به عبادت آمده باشند، با خضوع خاص در محفل شرکت کرده و به تقدیس اندیشه و معنویاتی می پردازند که از او آموخته اند.

مولانا، پس از مدت ها بیماری در پی تبی سوزان در غروب یکشنبه ۵ جمادی الآخر ۶۷۲ قمری درگذشت. یونسکو با پیشنهاد ترکیه، سال ۲۰۰۷ را سال جهانی مولانا نامیده است. خود سازمان یونسکو، یادبود هشتصدمین سالگرد تولد مولانا را در تاریخ ۶ سپتامبر سال ۲۰۰۷ برگزار کرد.